

پیش‌خوانی

نظری بر اثر تاریخی- روایی «سیمای استاد در آیینه نگاه یاران»

توصیفاتی در باره نظریه‌پرداز انقلاب

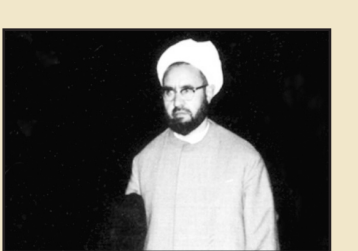
■ **شاهد توحیدی**



امسلاص مصادف است با صدمین سالروز میلاداستاد و متفکر شهید آیت‌الله مرتضی مطهری. از این‌ روی معرفی یادمان‌هایی که در ادوار گوناگون برای آن اندیشمند نامدار نشر یافته‌اند، در دستور کار صفحه تاریخ قرار دارد. در این مجال به معرفی یادنامه‌ای می‌پردازیم که تحت عنوان «سیمای استاد در آیینه‌نگاه یاران» از سوی انتشارات صدرا نشر یافته و آقای سیدجلوید موسوی نیز آن را تدوین کرده است. تدوینگر در دیباچه این اثر شخصیت‌استاد را اینگونه به تحسین‌نشسته است:

«توسن تیزبای سخن را در اقلیم شفق خیز شهیدان رام می‌کنیم‌و از میان همه سرخ‌موران و سبزی‌رتان، از شهیدی می‌گوییم که چشمه‌های روشن طهارت در روح او جاری بود. باری، زیور این بیان و رونق افزای این بیاض، نام و یاد مطهر مطهری است، هم او که پیشترقول کاروان صفات حسنه‌اش، طهارت بود.او صلوات‌اندیشه و استواری ایمان را با طهارت روح در هم آمیخته بود و با این آمیزه شگفت و این اکسیر حیات‌بخش تا به سر منزل قرب و ایقان ره پیموده بود و خون او با اصالت این طی طریق عاشقانه مهر تأیید زد. امام خمینی(ره) در بیان شیوای همین حقیقت شگفت در سوگ این استاد فرزانه فرمودند:

«من در تربیت چنین فرزاندی که با شباع فرزان خود مر دکان را حیات می‌بخشدند و به ظلمت‌ها نور می‌افشاندند، به اسلام بزرگ، مری انسان‌ها و به امت اسلامی تبریک می‌گویم، من اگر چه فرزند عزیزی را که پاره نونم بود، از دست دادم، لکن متفخرم که چنین فرزندان فداکاری در اسلام وجود داشته و دارم. مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم‌نظیر بود رفت و به مآلای بی‌بوست، لکن بدخواهان بداندک که با رفتن او شخصیت اسلامی،



استاد شهید آیت‌الله مرتضی مطهری

علمی و فلسفی‌اش نمی‌رود...

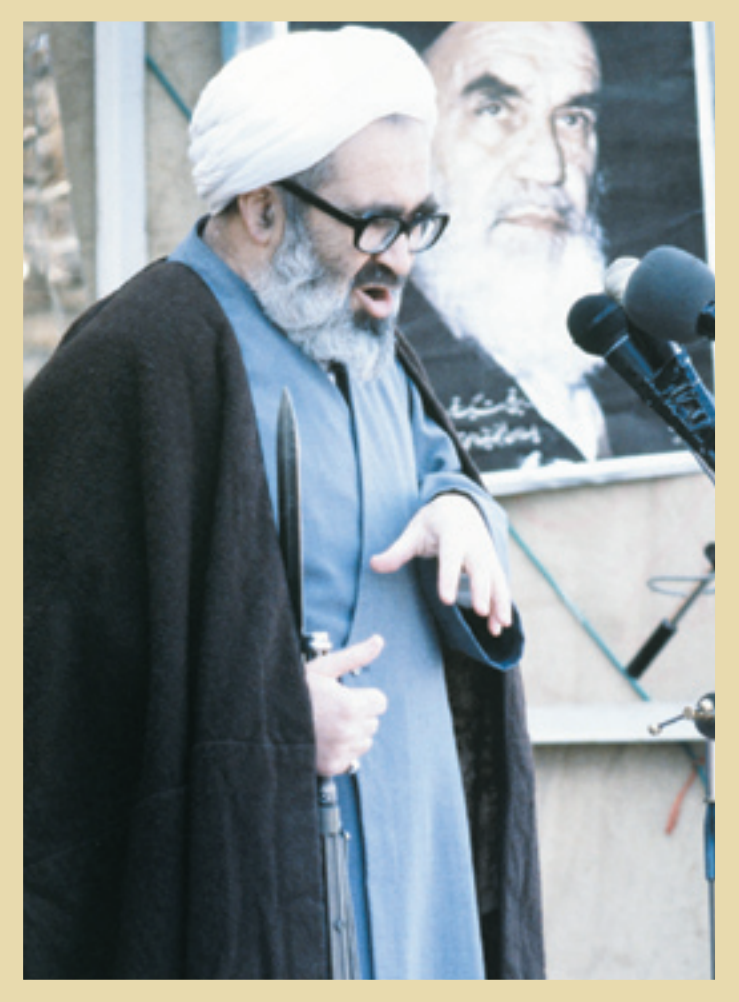
از طهارت روح شهید والامقام، مطهری اظهار گفتیم و از آن به‌عنوان ویژگی بارز او یاد کردیم و این عجب نیست‌اگر بگوییم جان‌عشنگان همه حسناات‌و از این چشمه طهارت سیراب می‌شد و چنین بود که صدق، صفا و خلوص در اخلاق، رفتار و تالاش‌های اجتماعی او موج می‌زند و آثار گرانبارش گویی همه در آمیزه‌ای از زلال صفا، صمیمیت و یکرنگی تحریر شده‌اند. مطهری از سرر گریز از شهادت یا فرار از جهاد و حماسه، به نوشتن روی نیایور بود و از مکتب مسئولیت‌به وادی عافیت و سلامت‌زفته بود، بلکه او به دلیلی حساسیت نسبت‌به انحرافات مکتبی و رسالتی که احساس می‌کرد به نشر فرهنگ غنی و پربار اسلامی همت گماشته بود. او پیونذرننده خون و قلم بود و همواره کامل و عماره روحانیت‌تشیخ در ۱۴ قرن را در چهره اندیشه و شهادت را دوشادوش هم می‌خواست و در کنار جهاد فکری، جهاد علمی‌را نیز مطرح می‌کرد.

استاد شهید مطهری به خوبی می‌دانست که پای نهان‌ن به میدان مبارزه و درگیری بدون اتکا به یک اندیشه‌استوار، سرانجامی خوش نخواهد داشت و خلأ فکری ناشی از عمل‌زدگی، جوذهنی افراد را آماده پذیرش افکار انحرافی می‌کند یا به التقاط فکری منجر می‌شود. شهید فرزانه استاد مطهری، به رهبری روحانیت‌راستین اعتقادی‌راسخ داشت و جسورانه و بی‌پروا به تفکرات و اندیشه‌هایی‌که به رهبری روحانیت‌راستین اعتقادی‌نداشتند می‌تاخت و تیلور کامل و عماره روحانیت‌تشیخ در ۱۴ قرن را در چهره آن عالم ربانی و آن خروش قرن علیه کفر و طاغوت جهانی یعنی امام خمینی(ره) می‌دید.»

مقدمه‌نگار این اثر، در ادامه درباره محتوای این یادمان

بدین شرح توضیح می‌دهد:

«باری، سخن به درازا کشید، سزاست که رشته کلام را به یاران او بسپاریم و شرح عاشقی و مهجوری او را از زبان هم‌راهان و هم‌زمان او بشنویم. آنچه در آغاز بر این قلم رفت، فقط گشایشی بود به باغ خاطره‌ها و یادها و تفرّجی هر چند گذرا در بوستان صفای باورهای بکر و باور شهید فرزانه استاد مطهری. در خاتمه سخن، سزاست که یاری شایان شکر دوست فاضل و ارجمند جناب آقای محمد کوکب را در نحوه ویرایش کتاب از مسر صدق و صفاسیاس صدق، توفیق، رهاورد سفر آنان یاد که ره نوشاهی جز صویق و صفازاد راهشان نیست و اندیشه‌ای جز سفر به قلمرو قلم و اقلیم اندیشه‌های ناب و زلال چونان آب نداند.»



مروری بر نحوه مواجهه آیت‌الله حسینعلی منتظری با فرآیند رسیدگی به پرونده مهدی هاشمی

روایت یک هم‌پیالگی!

■ **نیما احمدپور**

۲۲ سال پیش در چنین روزهایی و متعاقب شکایت دو تن از اتباع کره جنوبی مبنی بر ایجاد مزاحمت و اخاذی توسط نیزوهای امنیتی، یکی از خانه‌های تیمی باند مهدی هاشمی کشف شد و در پی آن، پیگیری اتهامات وی در دستور کار مأموران امنیتی قرار گرفت. مقالی‌که پیش روی شماست ضمن روایت این ماجرا، نحوه رفتار آیت‌الله حسینعلی منتظری در این قفره را تحلیل کرده است. امید است آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

■ **اینها باید قلع و قمع شوند!**

به تردید تفکرات انحرافی و اقدامات نادرست مذهبی‌های معوم و پاند، او، با توجه به پیشینه‌ای که داشتند، از چشم مسئولان نظام پوشیده نمی‌ماند، اما با پناه گرفتن آنان در پس پرده بیست آیت‌الله منتظری و فعالیت تحت عنوان «واحد‌نهضت‌های سپاه پاسداران» کمتر کسی می‌توانست مقابل این جریان به افشاگری بپردازد. در این زمان بود که رهبر کبیر انقلاب با درایت و واقع‌بینی دستور تعقیب و سپس سر خورد قاطع با این‌ جریان را به وزارت اطلاعات ابلاغ نمود. پیش از آن امام‌خمینی(ره) پس از مشاهده انحرافاتی که در تفکر و عملکرد مهدی هاشمی و واحد‌نهضت‌های اسلامی زیر نظر او وجود داشت، ابتداء دستور انحلال واحد‌نهضت‌های اسلامی و سپس مراقبت از مهدی هاشمی را به واحد اطلاعات سپاه پاسداران ابلاغ کردند. در مقطع بعدی، در سال ۱۳۶۲ حضرت امام به‌طور مستقیم به وزیر اطلاعات وقت حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی‌ی شهری دستور دادند: «در مورد فعالیت اینها- مهدی هاشمی و جریان او- کنترل و آنها را زیر نظر داشته باشید. اینها باید قلع و قمع شوند.»

وزیر اطلاعات وقت درباره ملاقات آن روز خود با حضرت امام و بر خورد ایشان با این مسئله چنین می‌گوید: «حضرت امام(ره) حین ادای این جملات، بسیار جدی و ناراحت به نظر می‌رسیدند. لحن ایشان به ویژه هنگام گفتن: اینها باید قلع و قمع شوند، نمایانگر این بود که حضرت امام توطئه‌های شدید را علیه انقلاب از سوی این جریان احساس می‌کنند. پس از این ملاقات بود که با وجود مشکلات و موانع بسیار، گزارشی از فعالیت‌های غیرمجاز، انحرافی و غیرقانونی مهدی هاشمی و هم‌قطاران او، مربوط به پیش و پس از انقلاب، به ویژه جریان قتل‌ها، اعضا و افراد گروه او و… تهیه و خدمت حضرت امام ارسال شد.»

امام تنها از جریان‌هایی نگران بودند که به آلود کردن فضای سیاسی و فرهنگی کشور و سوءاستفاده از صداقت و صمیمیت مردم در دفاع از ارزش‌های انقلابی، مفاهیمی را به نام انقلاب و اسلام مطرح می‌کردند یا بسط و گسترش می‌دادند که در باورهای فرهنگ غرب یا شرق ریشه داشت. امام همچنین نگران جریان‌هایی بودند که به نام انقلاب و در متن آن زمینه نفوذ گروه‌های مختلف تقاطعی و ضدانقلاب را در بیکره نظام هموار می‌ساختند و با انگشت نهادن بر نقاط مشترک تمامی گروه‌های معارض با انقلاب، جریان خاصی را در مقابل اسلام اصیل سازماندهی می‌کردند.

■ **من به اینها کمک می‌کنم تا سلاح بخرند!**

با این حال باند مهدی هاشمی‌که به حمایت‌های همه‌جانبه بیت آقای منتظری مستحضر و پشتگرم بودند، خود را در برابر امام و انقلاب قرار و به اقدامات

عاریخ

کفت وکرم ۸۸۴۹۸۴۳۷

۱۳۵۴ آیت‌الله حسینعلی منتظری در حال ایراد خطبه‌های نماز جمعه قم



آیت‌الله طاهری ماجرای دیدار خود با حضرت امام و بیانات ایشان درباره آیت‌الله منتظری را چنین بازگو می‌کند:

«**بروید و با ایشان صحبت کنید و بگویید من روی شما سسر ما یه گذاری کرده‌ام… لذا شما نباید ضعیفی داشته باشید و این هستید و این مهدی هاشمی بهانه‌ای است دست آنها، اینکه شما می‌گویید من چهار ماه است و ا راندیدام یا فرستاده‌ام گسترده‌ای برای انعکاس خبری و تبلیغاتی این مسئله انجام دادند. برای نمونه گوشه‌ای از بر نامه‌های رادیویی و مطبوعات خارجی در این ارتباط نقل می‌شود:**

رادیسو بی‌بی‌سی، ۱۳۶۵/۷/۲۹، ساعت ۱۹:۴۵

«گزارش‌های رسیده از قم حاکی از آن است که به دنبال بازداشت سیدمهدی هاشمی، دفتر آیت‌الله منتظری در قم چند روز تعطیل بوده و آیت‌الله منتظری برای اعتراض به این بازداشت، هفته پیش با آیت‌الله خمینی ملاقات کرده‌است… این درگیری می‌تواند برای آن وحدت ظاهری که آیت‌الله خمینی توانسته است وچهن آن را در جمهوری اسلامی حفظ کند، زیان‌آور باشد.»

رادیو اسرائیل،۱۳۶۵/۸/۱۰

«… هفتماهه اکسپرس به دنبال گزارش خود نوشت: روز ۲۰اکتبر خبری در اختیار روزنامه لوموند و ایستگاه‌های رادیویی اپوزیسیون نهاده می‌شود؛ در اینر بر اینکه آیت‌الله منتظری از سمت خود کناره‌گیری کرده‌است.»

رادیو کلن، ۱۳۶۵/۸/۹، ساعت ۲۱:۳۰

«آیت‌الله منتظری در تمامی مسائل و زمینه‌ها روش اعتدال‌آمیز آن‌سری دارد. مسلماً از نظر سیاسی با مهدی هاشمی توافق ندارد، بلکه از این جهت از دستگیری وی نارضاحت شده بود که این کار را توطئه‌ای علیه شخص خود تلقی می‌کرد. به‌طوری‌که افراد نزدیک به وی اظهار داشتند

آیت‌الله منتظری انتظار داشته که قبل از توقیف هاشمی، وی را از جرم و اثبات‌بایخبر کنند.»

روزنامه لوموند، ۱۳۶۵/۸/۱۵

«په‌ام بسیار بزرگی بر سونوش آیت‌الله منتظری که از مهدی هاشمی حمایت کرد، سایه افکنده است. به گفته برخی، وی ممکن است در خانه‌اش در قم محبوس باشد و برخی می‌گویند که به خانه‌اش در نجفآباد عزیمت کرده‌است. دستگیری برادران هاشمی و همچنین رویه آمرانه‌ای که در مورد آنها ابراز می‌شود، ثابت می‌کند که دسیسه‌ای علیه انقلاب اسلامی در جریان است.»

به‌رغم تمام تبلیغات سوء دشمنان نظام و همچنین بعضی سخنان ناخلسی در حمایت از آیت‌الله منتظری، حضرت امام صبورانه در برابر هاشمی موضع گرفتند تا اینکه با تلاش نیروهای وزارت اطلاعات، مهدی هاشمی خود را برابر تمام ادله ، شواهد و جرائم مرتکب شده در بن‌بست یافت و چاره‌ای جز اعتراف به حقیقت و تشریح جریان انحرافی خود ندید. وی قسمتی از قبايع انجام داده خود را در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۱۸، طی مصاحبه‌ای رادیویی – تلویزیونی افشا کرد. بعد از این اعترافات بود که هواداران و حامیان او به ناچار از مواضع خود عقب‌نشستند.

■ **و سرانجام یک کفرخواست**

در فاصله دستگیری تا اعتراف مهدی هاشمی، او که به حمایت آیت‌الله منتظری و هواداران خود در بعضی سمت‌های دولتی امیدوار بود، سعی کرد که با فریب دادن بازجوها و ارائه اسلحه‌های دروغ به مأموران و نامه‌پراکنی‌های زیرزمینی به همفکران خود شرایط را به نفع خود تغییر دهد، با فشاری و تحقیق، چهره منافقانه وی نیز افشا شد. پس از شناسایی و دستگیری اکثر اعضای باند، دادگاه ویژه روحانیت در تاریخ ۱۳۶۶/۶/۱۹ تشکیل شد و مهدی هاشمی در آن دادگاه به اتهام محاربه، افساد، ایجاد فتنه و رعب‌وحشت در بین مردم محاکمه شد. کفرخواست‌وی به شرح ذیل تنظیم شده بود:

۱- سازماندهی و رهبری گروه‌های متعدد ترور، آدم‌ربایی قتل و اختفای انقلاب

۲- تلاش در تأسیس و اداره سپاه خودمختار و مستقل لنجان سفلی و تغذیه تدارکاتی و تسلیحاتی آن و ایجاد درگیری با کمیته انقلاب اسلامی محل که منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها نفر شد.

۳- خارج کردن بیش از ۲۸۰ قبضه اسلحه و مهمات و اموال بسیاری از سپاه پاسداران و جاسازی و اختفای آنها

۴- ایجاد شبکه نفوذ در ارگان‌ها و ادارات مختلف و سرقت اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و کسب اخبار و اطلاعات

۵- به انحراف کشاندن جوانان، تشکل و سازماندهی افراد مسئله‌دار و اخراجی از ارگان‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی

۶- تلاش در تضعیف رهبری انقلاب و ایجاد اختلاف و تفرقه بین مسئولان

۷- ایجاد سوءظن و بدبینی نسبت به مسئولان و نظام جمهوری اسلامی به وسیله نشر اکاذیب، افترا و تهمت در قالب اطلاعیه و بخشنامه‌های بی‌نام و نشان با عناوین و امضاهای جعلی

۸- مخالفت و اقدام علیه سیاست‌های خارجی جمهوری اسلامی که منجر به اختلال در روابط و مناسبات خارجی کشور شده بود و از عواقب آن کشته شدن صدها نفر بر اثر درگیری‌های نظامی بوده‌است.

همزمان با محاکمه و بازجویی از اعضای باند و شخص مهدی هاشمی، افراد بازمانده این جریان تعدادی از هواداران او برای متشنج کردن اوضاع کشور و ایجاد جنگ قدرت بین مسئولان نظام و زیر سؤال بردن اقدامات وزارت اطلاعات، در اقدامی متناقضه‌اعلامیه‌هایی در حمایت از مهدی هاشمی و جریان وی با نام‌ها و عناوین جعلی و دروغی منتشر ساختند. انتشار این اعلامیه‌ها دلیل بارزی بر انحراف آنها از خط نظام جمهوری اسلامی بود. در اینجا به دلیل اطاله کلام تنها به عناوین جعلی نامه‌ها بسنده شده‌است و تنها یک نمونه آن برای قساوت خوانندگان عرضه می‌شود:

۱- اعلامیه با امضای «جمعی از طلاب حوزه علمیه قم»؛ این اعلامیه در دو صفحه تهیه شده و با جمله «حضور وزیر محترم اطلاعات، آقای ری‌شهری» شروع می‌شود و در قسمتی از آن چنین آمده‌است: «این روزها که بحق، نمونه‌ای از «یوم تبلی السرائر» است و شاهد صحنه‌ها و برخوردهای زشت و غیر اسلامی فراوان هستیم، در مورد درکته‌های اخیر شما سؤال‌هایی مطرح شده‌است که از باب نمونه به چند مورد آن بسنده می‌کنیم…»

این نامه سپس به بسته شدن کتابخانه سیاسی، برخورد با مسئولان مدارس تحت پوشش آیت‌الله منتظری، بسته شدن دفتر نهضت‌های رهایی‌بخش مربوط به مهدی هاشمی، اتهامات انتسابی به مهدی هاشمی و همکاران وی و … اشاره کرده‌است و اضافه می‌کند: «خلاصه اینکه آیا بهتر و نزدیک‌تر به تقوا نیست که در این زمان حساس از به راه انداختن این جنگ‌های قدرت و ساز کردن چپه‌های قدرت‌طلبی در پشت جبهه‌های جنگ، دست برداریم و به فکر نجات امت مظلوم و اسلام عزیز باشیم…»

۲- اعلامیه با امضای «جمعی از فضلا و طلاب حوزه علمیه قم»

۳- اعلامیه با امضای «گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران»

۴- اعلامیه با امضای «تعدادی از نمایندگان حزب‌الله مجلس»

۵- اعلامیه با امضای «جمعی از طلاب»

۶- اعلامیه با امضای «حسنعلی نوری‌ها»

اما این تلاش‌ها عابت بود. دادگاه تحت رهنمودهای حضرت امام‌خمینی(ره) و حمایت‌های ایشان با قاطعیت روی‌سادهای وزارت اطلاعات در جمع‌آوری شواهد و اتصالات علیه باند مهدی هاشمی به کار خود ادامه داد. در پایان، مهدی هاشمی و فتح‌الله امید نجف‌آبادی از عاملان اصلی به اعدام و دیگر افراد مرتب با این گروه، به حبس‌های متفاوت و درند مجازات‌های محکوم شدند. حکم اعدام مهدی هاشمی در تاریخ ۱۳۶۶/۷/۶ اجرا شد.

■ **و کلام آخر**

بدین ترتیب انقلاب اسلامی یکی از مراحل بحرانی و خطرناک آن پشت‌سر گذاشت. غده فاسد و چرکینی همچون مهدی هاشمی که به دلیل انحراف فکری و عقیدتی برای مردم و نظام اسلامی بسیار خطرناک بود، تنها با قاطعیت حضرت امام‌خمینی(ره) و تلاش فراوان سرایران گمنام حضرت ولی‌عصر(عج) ممکن بود و حقاً که در آن زمان آن را به خوبی و به نحو احسن انجام دادند.

عملکرد این‌بند در تاریخ انقلاب به گونه‌ای بود که می‌توان آن را یک جریان نامید. بررسی این جریان از چند جهت اهمیت دارد: یکی اینکه آنان همانند متناقضین معتقد بودند تنها منادی اسلام راستین و انقلابی هستند و مکتب هیچ‌گونه اشتباهی نمی‌شوند؛ لذا هر کس در غیر مسیر آنها حرکت کند به خطا رفته و بر خورد با او جایز است. دیگر آنکه اعضای باند مهدی هاشمی با چهره‌ای منافقانه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئولیت‌های حساس را در سطوح عالی اداری، سیاسی و نظامی کشور اشغال و به مدارج عمیقی نفوذ پیدا کردند. بسا توجه به افکار منحرف و التقاطی که آنها در سرر داشتند و همچنین سوءاستفاده از پشتوانه مرجعیت آیت‌الله منتظری، تصور می‌شد که برای رسیدن به اهدافشان دست به هر کاری بزنند، اما هویشاری مسئولان دلسوز نظام و تیزبینی سیاسی ناخدای انقلاب، حضرت امام، توانست این جریان منحرف در نقطه‌ای حساس قطع کند و عوامل آن را به دست‌های عدالت بسپارد. البته وجود ره‌های از این تفکر در جامعه امروزی ما نیز هشیاری و قاطعیت دوچندان می‌طلبد. چون امروز با توجه به تحولات پیش‌آمده در جامعه اسلامی، اکثر آنها در چهره‌های مردم‌دوست و غمخوار نظام‌گشا شده‌اند و این بار، چهره‌فراق خود را محکم‌تر چسبیده‌اند، اما هیچ نفاق‌ی مدت زمان طولانی پنهان نمی‌ماند.

به امید روزی که چهره تمام متناقضین برعلا و ریشه آنها از میهن عزیز اسلامی بر کنده شود.